



عکس: پناهنگه خبرنگار جوان

سیاستگذاری های شهری چقدر در خدمت معلولان است؟

## چرخ حمایت از نابینایان لنگ می‌زند

یاسمن صادق شیرازی

چند روز است زهرا مشتری ندارد. خانه‌اش پر شده از لباس و کوسن‌های دست دوز اما خبری از مشتری نیست. تازه کلی بدهی هم روی دستش مانده. اگرچه چشم‌هایش نور را نمی‌شناسند و با سایه‌ها انس گرفته‌اند ولی دستان توانمندی دارد. آنقدر توانمند که می‌تواند چشم بسته لباس بدوزد. خودش می‌گوید از زمانی که فهمیده نابیناست تصمیم گرفته قوی‌تر از آدم‌های دیگر باشد اما حالا هیچ آرزوی دیگری ندارد. ۸ سال پیش بود که همت و پشتکارش را برای کار کردن با یک ماشین نیمه صنعتی ژاپنی جزم کرد. بعد از آن فهمید نابیناهای دیگری هم هستند که به نان شب‌شان محتاجند، دست آنها راهم گرفت و کار با این ماشین را به آنها یاد داد. پس از مدتی با هم یک گروه تشکیل دادند و تصمیم گرفتند به کمک همدیگر خرج پدر علیل، مادر ناتوان و خواهر برادرهای کوچک‌شان را در بیاورند. البته آنها علاوه بر اینکه نابینا هستند، دست

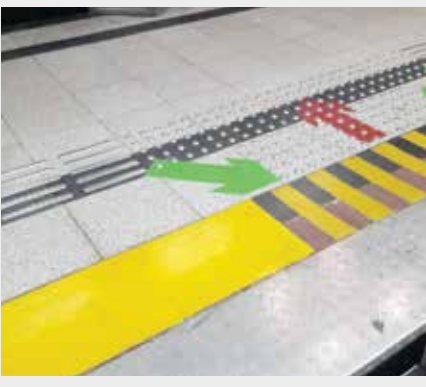
یا پای بعضی‌هایشان هم لنگ می‌زند. هرچند با این همه تلاش، پول زیادی دستشان را نمی‌گیرد چون مشتری‌هایشان به همان همسایه‌هایی منتهی می‌شود که با درد «نداری» دست و پنجه نرم می‌کنند... مدتی که گذشت، تصمیم گرفتند صدایشان را به گوش مسئولان برسانند، برای همین نامه نگاری به سازمان‌های مختلف را شروع کردند. نخستین فردی که دستش را برای کمک به آنها دراز کرد نماینده‌ای در مجلس بود اما او هم مشکل‌شان را به شهرداری منطقه ۵ محول کرد و شهرداری هم مشکل را به صاحب غرفه‌های بازار «جنت آباد»، زهرا و دوستانش وقتی فهمیدند می‌توانند در این بازار حتی سه چهار متر مغازه برای فروش اجناس‌شان دست و پا کنند، از خوشحالی سر از پانمی شناختند اما خوشی‌شان زیاد دوام نیاورد. مدتی که گذشت صاحب مغازه به دلایل مختلفی عذرشان را خواست و آنها ماندند با هزینه‌هایی که قرض کرده بودند. زهرا می‌گوید

صاحب غرفه به خاطر این عذرشان را خواسته که مغازه را به فرد دیگری اجاره دهد و از این راه درآمد کسب کند. خرید یک ماشین نیمه صنعتی ژاپنی یک تا دو میلیون هزینه می‌خواهد. آنها با هزار زحمت یک ماشین صنعتی برای مغازه کوچک بازار جنت آباد خریده بودند اما حالا نمی‌دانند اصلاً آن ماشین کجاست چراکه هنوز نتوانستند اجناس‌شان را از مغازه خارج کنند: «وقتی از شهرداری به من گفتند اجناس‌ت را به مغازه بیاور چیز زیادی نداشتیم که بخواهیم آنقدر ببافیم. تصمیم گرفتم با قرض از دوستانی که داشتم مقداری لباس بخرم و در مغازه بگذارم تا بچه‌ایمان شروع به بافتن کند اما صاحب آنجا وقتی دید تعداد اجناسی که داریم کم است گفت باید از اینجا بروید.»

زمانی هم که به صاحب مغازه اعتراض کردند، او اینطور پاسخ داده است: «شما باید در اینجا بافتنی

نیم نگاه

■ **سؤالمان این است که چرا مسئولان از نابینایان حمایت نمی‌کنند؟ من و خواهرم چطور باید از عهده هزینه‌های خانواده مان برپاییم و چرا نابیناها در جامعه از حق کوچک‌ترین مسائل زندگی که داشتن آسایش و رفاه است محروم هستند؟**



می‌فروختید و چون لباس در آنجا ریخته اید باید اسباب و وسایل تان را جمع کنید.» البته زهرا و دوستانش گفتند که آنها در حال تهیه لباس‌های

■ **ابداع فنون ویژه برای کار**

زهرا می‌گوید استفاده از این دستگاه‌ها شاید برای نابیناها غیرممکن باشد چون او به وسیله ابداع فنون ویژه این کار را فراگرفته است. البته در این راه دوستان و مربیانی هم به او کمک کرده‌اند: «با این ماشین‌ها می‌توان لباس، کوسن، عروسک، مانتو و حتی روکش‌های سطل زباله ساخت. آن زمانی که شروع به کار کردم حتی مسئولان فنی و حرفه‌ای باور نمی‌کردند که بلد باشم با این ماشین‌ها کار کنم اما وقتی کارشناسان کارم را دیدند نظرشان تغییر کرد. پس از شرکت در آزمون فنی و حرفه‌ای حتی توانستم مدرک این حرفه را نیز کسب کنم.»

البته متقاضیان او به نابیناها محدود نمی‌شوند بلکه افراد سالمی که دست‌شان برای تأمین مخارج‌های زندگی‌شان کوتاه است هم از او برای آموزش تقضای کمک کردند: «بعد از کسب این مدرک تصمیم گرفتم به نابیناهای مراکز آموزشی مختلف این حرفه را به صورت رایگان آموزش بدهم. حتی افرادی که نابینا نبودند هم تقاضا کردند که به آنها هم آموزش بدهم، من هم با کمال میل

«» خرید یک ماشین نیمه صنعتی ژاپنی

یک تا دو میلیون هزینه می‌خواهد.

آنها با هزار زحمت

یک ماشین صنعتی برای مغازه کوچک

بازار جنت آباد

خریده بودند اما

حالا نمی‌دانند اصلاً

آن ماشین کجاست

«»

آنها معتقدند تعداد دفعاتی که یک

چاله زمین‌شان زده است کم نیست. گویا

وضعیت خیابان‌ها

و کوچه‌های شهر

برای رفت و آمد

استاندارد نیست:

«علاوه بر اینکه خرج

زندگی‌مان تأمین

نمی‌شود برای راه

رفتن در خیابان هم

مشکل داریم. آنقدر

خیابان‌ها و کوچه‌ها

نا امن است که باید

یک همراه داشته

باشیم تا زمین

نخوریم

قبول کردم. برای خودم به عنوان یک وظیفه قرار داده‌ام که هر ماه برای آموزش رایگان به مراکز توانمندسازی نابیناها سر بزنم.»

هائیه و حنانه دو دختر دولولی دیگری هستند که با زهرا لباس می‌دوزند. خرج پدر و مادر پیر و از کار افتاده آنها هم با دوختن این لباس‌ها می‌گذرد. می‌گویند دانشجوی دانشگاه تهران هستند و علاوه بر تأمین هزینه زندگی، مخارج تحصیل‌شان را هم باید تأمین کنند: «دل‌مان خوش بود که دیگر لباس‌هایمان به فروش می‌رسد و دیگر آواره رفتن از این مغازه به آن مغازه نیستیم ولی همه امیدمان از بین رفت. سؤالمان این است که چرا مسئولان از نابینایان حمایت نمی‌کنند؟ من و خواهرم چطور باید از عهده هزینه‌های خانواده مان برپاییم و چرا نابیناها در جامعه از حق کوچک‌ترین مسائل زندگی که داشتن آسایش و رفاه است محروم هستند؟»

■ **چاله‌های شهر زمینمان می‌زند**  
پای درد دل هر کدام از اعضای

«»

نصب چراغ‌های راهنمای صوتی

در تقاطع‌ها از جنبه‌های دیگر

ایمن‌سازی تردد شهری برای

شهروندان نابینا و

کم بیناست که البته

و متأسفانه در این

زمینه تا کنون فقط

شاهد نصب تعداد

محدودی از این

چراغ‌ها به صورت

پایلوت در شهرها

بوده‌ایم حال آنکه

انتظار آن است

دسترس‌پذیری

محیطی به عنوان

یک پیوست به کلیه

سند‌های راهبردی

طراحی و عمران

شهری و روستایی

تبدیل شود

دسترس‌پذیری محیطی برای نابینایان و کم بینایان سخن می‌گویم این مفهوم شامل حق دسترسی آنان به کلیه منابع اطلاعاتی در قالب کتب، نشریات، فایل‌های الکترونیکی، دیدارگاه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی و شبکه‌های اجتماعی نیز می‌شود به همین دلیل در پیمان نامه جهانی حقوق افراد معلول مصوب سال ۲۰۰۶ سازمان ملل متحد که کشور ما نیز به آن ملحق شده است و نیز در مفاد لایحه حقوق معلولان مصوب خرداد ۱۳۹۴ هیأت محترم دولت که هم اکنون جهت تصویب مجلس در حال طی روند بررسی‌های کارشناسی است بر ضرورت تدوین و اجرای استانداردهای فنی دسترس‌پذیری نرم‌افزارهای شهروندان نابینا به کلیه پایگاه‌های اطلاعاتی تأکید شده است.

گسترش فناوری‌های اطلاعاتی به عرصه‌های خدمات عمومی ضرورت دیگری را برای دسترسی آسیب‌مندان بینایی به فناوری‌های اطلاعاتی ایجاد کرده است به عنوان مثال در راستای استفاده همه جانبه شهروندان دارای محدودیت‌های بینایی از سامانه‌های حمل و نقل شهری و تحقق دو شاخص استقلال و ایمنی تردد آنان امروزه سامانه‌های نوین حمل و نقل شهری از طریق فناوری‌های اطلاعاتی امکان آگاهی نابینایان و کم بینایان را از آمدن اتوبوس خطوط مختلف به ایستگاه‌های

بینایان نظارت و رصد شود. اما مفهوم دسترس‌پذیری محیطی در دهه‌های پایانی قرن ۲۰ و همیای روزافزون در ۱۳ سال پس از تصویب داد مفهومی جدید یافت نابینایان و کم بینایان نیز همچون سایر گروه‌های اجتماعی و در دامان انقلاب عظیم اطلاعاتی در جهان نیاز به استفاده از شبکه جهانی اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی- پیدا کرده‌اند لذا فقط چهار دهه پس از شکل‌گیری شبکه اطلاعاتی در جهانی دسترسی به منابع اطلاعاتی در شهرها بوده‌ایم اما در این عرصه نیز موانعی فراروی تردد مستقل نابینایان در معابر عمومی فضاهای مجازی وجود داشت.

اما فناوری‌های نوین به کمک نابینایان و کم بینایان آمد و با تولید نرم‌افزارهای ویژه و نیز ابداع سخت‌افزارهای مخصوص این گروه‌ها راه برای ورود آسیب‌مندان بینایی به عرصه فناوری‌های اطلاعاتی «آی تی» هموار کرد. از این پس مفهوم دسترس‌پذیری از سطح نخستین مناسب‌سازی فیزیکی محیط به دسترس‌پذیری‌های اطلاعاتی توسعه یافت بنابراین وقتی امروزه

تشکیل ستادهای کشوری، استانی و شهرستان‌های مناسب‌سازی شده دستاورد همین قانون است که به شکل روزافزون در ۱۳ سال پس از تصویب حسن نامطوب و مایع تردد مستقل فرد نابینا تا امری ناشی از نابینایی است و لذا نخستین الزام برای حرکت مستقل او در جامعه ایجاد امنیت و ایمنی در تردد است به همین دلیل آغاز جنبش وسیع اجتماعی نابینایان و کم بینایان در جهان در آغاز سده بیستم با درخواست آنان برای ایمن‌سازی شهرها برای تردد آنها و حذف موانع محیطی برای دسترسی مستقل وامن آنان به همه اماکن و معابر گره خورد است.

نخستین قوانین حقوق نابینایان در برگیرنده حق این گروه برای تردد آزادانه در همه محیط‌ها و تضمین ایمنی این حرکت است چه با تحقق این امر زمینه برای مشارکت اجتماعی آنان و برخورداریشان از سایر حقوق اجتماعی محقق می‌شود. ماده ۲ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان کشور و آیین‌نامه‌های اجرایی آن بر همین حق تأکید دارد و سالیانه کم‌بهای پیگیری‌های جمعی نابینایان و کم بینایان در زمینه تحقق مناسب‌سازی و ایمن‌سازی محیط‌های شهر و روستا مانند معابر عمومی، تمام پیشرفت آن از سوی نهادهای نظارتی مانند مجلس شورای اسلامی، شوراهای شهر و روستا و تشکل‌های نابینایان و کم

## شهر ایمن حق ماست

دسترس پذیری، پیش شرط مشارکت اجتماعی شهروندان دارای آسیب بینایی

سهیل معینی

مدیرعامل شبکه تشکل‌های نابینایان و کم بینایان کشور «چاو»

بررسی تاریخ تحول مشارکت اجتماعی بیش از ۲۸۰ میلیون نفر آسیب‌مندان بینایی جهان از جمله کشورمان مبین ضرورت تحقق دسترس‌پذیری محیطی به عنوان پیش شرط الزام‌ها و گام‌ها مشارکت اجتماعی این گروه است.

به زبان ساده فردی که به علت فقدان یا ضعف شدید بینایی قادر به تشخیص محیط حرکتی خود نیست نمی‌تواند به هیچ‌یک از حقوق مسلم خود مانند آموزش، اشتغال، برخورداری از امکانات فرهنگی و در حیک کلام آنچه که حقوق پایه‌ای هر شهروند تلقی می‌شود دست یابد. زیرا پیش شرط این امر امکان خروج از خانه، تردد در معابر عمومی و دسترسی به کلیه اماکنی است که خدمات برشمرده در آنها ارائه می‌شود.

این سطح از دسترس‌پذیری که پایین‌ترین و ساده‌ترین شکل دسترسی به محیط است باید دارای دو شاخص اصلی باشد استقلال و ایمنی. توضیح آنکه فرد نابینا و یا کم بینا باید بتواند بدون حضور دیگران و به شکل مستقل تردد کند. که خود این امر مستلزم ایمنی در تردد است به همین دلیل سمبل استقلال فرد نابینا عصبی سفید او به عنوان تضمین‌کننده استقلالش شناخته

گروه که می‌نشین به دردهای ریز و درشت‌شان پی می‌بری که جزو حقایق‌های زندگی هر فردی است. دردهایی که برای بیان آن مجبور می‌شوند بغض‌شان را پنهان کنند. آنها معتقدند تعداد دفعاتی که یک چاله زمین‌شان زده است کم نیست. گویا وضعیت خیابان‌ها و کوچه‌های شهر برای رفت و آمد استاندارد نیست: «علاوه بر اینکه خرج زندگی‌مان تأمین نمی‌شود برای راه رفتن در خیابان هم مشکل داریم. آنقدر خیابان‌ها و کوچه‌ها نا امن است که باید یک همراه داشته باشیم تا زمین نخوریم. هرچا هم که برای پیدا کردن کار می‌رویم فقط معلولیت‌هایمان را می‌بینند نه توانایی‌هایمان را. می‌خواهیم کتاب بخوانیم نمی‌توانیم. می‌خواهیم اجناسمان را بفروشیم زورمان نمی‌رسد. انگار برای ما همه راه‌ها بسته است.»

مریم یکی از اعضای گروه، می‌گوید توقع این رفتار را از مسئولان شهرداری نداشته است. گویا روز آخری که آنها را از غرفه بیرون انداخته‌اند تنها او در مغازه بوده اما حتی دیدن دست و پاهای مریضش هم دل صاحب غرفه را نکان نداده است: «با یک برخورد

شدید من را از مغازه بیرون انداختند. اصلاً نگاه نکردند که من معلولم ممکن است دچار آسیب شوم. هرچقدر برایشان توضیح دادم که این کار را نکنید به حرفم گوش ندادند و بیرونم کردند. وسایل و لباس‌هایی هم که خریده بودیم هم در مغازه ماند، بردارم. من نمی‌خواهم کسی برایم دل بسوزاند ولی این برخورد‌ها لایق هیچ انسانی نیست. در حال حاضر هیچ منبع درآمدی ندارم و هر جایی که برای کار می‌روم قبول نمی‌کنند.» او می‌گوید دل برادر و خواهرهای کوچکش به این خوش بوده که با فروش لباس‌ها صاحب لباس نو شوند ولی هیچ پولی نصیبش نشده تا چیزی برایشان بخرد. حالا شب و روز خواهر و برادرهایش با گفتن ای کاش‌ها سپری می‌شود. ای کاش خواهرمان مغازه‌ای برای خودش داشت. ای کاش کسی حاضر شود لباس‌هایی که خواهرمان دوخته است را بخرد و ای کاش صاحب مغازه بازار کمی مهربان بود.

پروژه‌های مناسب‌سازی به شکل جزیرهای و بعضاً با استانداردهای کاملاً متفاوت اجرا می‌شوند. ایمنی برای تردد نابینایان هنوز رویایی نه چندان قابل دسترسی می‌نماید. ستادهای مناسب‌سازی بیشتر به برگزاری جلسه می‌پردازند، تا ورود ملموس به عرصه تدوین برنامه‌ها و نظارت مؤثر بر روند دسترس‌پذیری شهری. به طور قطع تشکیل شورای عالی هماهنگی امور معلولان کشور گام بلندی برای ساماندهی این امر است. در زمینه دسترس‌پذیری اطلاعاتی هنوز مسئولان با این مفهوم و حقوق شهروندان نابینا و کم بینا در این عرصه آشنا نیستند قطعا گدشای این امر فعالیت مستمر تشکل‌های نابینایان و کم بینایان در پیگیری مداوم گزارش قوانین حمایتی، پیگیری اجرای امری عملکرد مسئولان و حضور به موقع در محیطی به عنوان یک پیوست به کلیه سند‌های راهبردی طراحی و عمران شهری و روستایی تبدیل شود